یادداشت

داستان زوال

نگاهی به رمان «آه باشین» محمدکاظم مزینانی

حسن محمودی

سال‌هاست که با این پرسش مواجه هستیم که آیا تجربه زیستی نویسنده ایرانی برای خلق یک رمان ماندگار و تاثیرگذار کفایت می‌کند تا بتواند جهانی بیافریند برای به چالش کشیدن مخاطب و رساندن او به کشف و شهود درباره نوعی از انسان با خصلت‌های خاص خودش در این گوشه از کره خاکی. این پرسش به عبارتی دیگر پرس‌وجو می‌کند که آیا می‌توان انتظار خلق رمان در مفهوم جهانی‌اش از سوی نویسنده ایرانی را داشت؟ «آه باشین» محمدکاظم مزینانی یکی از نمونه‌هایی است که نشان می‌دهد به راستی انسان ایرانی معاصر دستمایه‌های مناسبی برای خلق رمان دارد. مزینانی رمانش را از طریق مرور حافظه پیرمردی ۷۰ ساله در حالت بیماری و احتضار و مرگ، قدرت و زوال خانواده شازده‌های قجری بنا می‌نهد تا به سامان برساند. در این بستر زمان فیزیکی ۷۰ ساله، نمایی از سه دوره تاریخی قاجار، پهلوی و انقلاب ۵۷ از طریق آنچه در تداعی‌های متعدد به ذهن ته‌تغاری شازده قاجاری هجوم می‌آورد، بازخوانی می‌شود. جغرافیای رمان در دامغان و تهران است. بکر بودن زبان و عادات و رفتار آدم‌های خانه شازده به کمک مزینانی آمده است تا خرده‌روایت‌هایی به‌یادماندنی و تاثیرگذار در هزارتوی اتفاقات و عمل‌های داستانی رمانش جاسازی کند. بنا و اصل برای نویسنده رمان «آه باشین» همین خرده‌روایت‌هاست که جدا از شازده و اصل و نسبش، حول و حوش فرودستان حاضر در خانه‌اش شکل می‌گیرد. قدرت و جذابیت رمان نیز در خلق زنانی است برآمده از جادو، سحر، خرافات، روزمرگی و رذالت و زنانگی فرومایه. مزینانی در پرداخت این دست شخصیت‌هایش از عهده کاری که قصدش را دارد، به خوبی برآمده است. اما رمان، جهان یکپارچه‌ای است که معنا در ساختار بسامان آن به خواننده‌اش منتقل می‌شود و ساختار نیز از دل جهان معنایش ناشی می‌شود. اینجاست که به نظر می‌رسد رمان‌نویس ایرانی با وجود

مواد کافی در نوشتن اثری بی‌عیب و نقص، تن به شکست می‌دهد و حاصل کارش رمان‌هایی شکست‌خورده می‌شود. «آه باشین» تاکیدی بر این نکته است که رمان‌نویس ایرانی با توجه به تجربه زیستی‌اش، حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. باز این پرسش مطرح است که با وجود تجربه زیستی انسان ایرانی و همه آنچه لازمه خلق رمان به مفهوم امروزی‌اش در جهان است، چرا رمان و رمان‌نویس قابل تامل نداریم؟ همان گونه که اشاره شد «آه با شین» برهه‌ای حساس از تاریخ معاصر ایران را با اتفاقاتی مثل زوال سلسله قجری، روی کارآمدن حکومت پهلوی‌ها و انقلاب دستمایه نوشتن قرار می‌دهد. تقلای ایرانیان برای گذر از سنت و خرافه و قاطی شدن در تحولات جهانی یکی از محورهای اساسی در «آه باشین» است. پرسش انسان از وضعیت خود و به چالش کشیدن سرنوشتش، مهم‌ترین مولفه‌ای است که در رمان «آه باشین» منجر به بازخوانی و یادآوری مجدد تاریخ ۷۰ ساله از سال ۱۳۲۰ تا به بعد می‌شود. او می‌خواهد بداند انسان ایرانی در گذر از این دوره تاریخی حساس، چرا از افلاک به کراک می‌افتد و آنچه باقی می‌ماند کاوه است که کراکی شده و زنش از او طلاق می‌گیرد. این برهه از تاریخ بارها در داستان‌های ایرانی از سوی نویسنده‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است. حال باید دید محمدکاظم مزینانی رویکردش به تاریخ به چه صورت بوده است. او نیز مانند برخی دیگر از داستان‌نویسان زوال قاجار و پهلوی و اتفاقی به نام انقلاب را بستری برای شکل دادن داستانش انتخاب می‌کند. در این میان آنچه از دل تجربه شخصی و زیست منحصربه‌فرد او برمی‌آید، منجر به خلق خرده‌داستان‌هایی می‌شود که ذهن خواننده را درگیر می‌کند و تا مدت‌ها با او می‌ماند. خرده داستان‌هایی درباره الیجه، خانم خانم‌ها، سلطان علی، تاجی، شاباجی، گیس بریده، گل چهره و سیمین از این دست هستند. اما نشانه‌گذاری‌های نویسنده از نقطه عطف‌های تاریخی، گرچه دقیق از آب درآمده است، به اندازه خرده داستان‌های مربوط به زنانی که در خانه شازده رفت و آمد دارند، به یاد ماندنی از آب درنمی‌آیند. نمونه‌اش ماجرای کشف حجاب است یا زنی به نام سودابه که همراه با تغییر و تحولات به شکل باسمه‌ای حرکت می‌کند و از قالب کلیشه‌ای خارج نمی‌شود. او از شهر به داخل خانه‌ای سنتی و خرافاتی پرتاب می‌شود و دست آخر راهش را جدا می‌کند و با از ما بهتران در دم و دستگاه پهلوی محشور می‌شود. از اتفاق سودابه استعداد زیادی برای تبدیل شدن به یکی از شخصیت‌های رمان معاصر ایرانی دارد، اما قربانی حجم اتفاق‌ها و قضاوت‌های نویسنده‌اش می‌شود.

«آه باشین» احضار مردگان برای بازخوانی برشی از تاریخ معاصر ایران است. راوی دوم‌شخص، دانای کل و من راوی، در رفت و برگشت‌های زمانی سرگذشت خانواده‌ای قجری را حکایت می‌کند. رمان در فصل اول با نثر و زبان و فضاسازی در زمان حال و معرفی شخصیت اصلی شروع می‌شود و با تداعی‌های پی‌درپی، تغییر زاویه‌دید صورت می‌گیرد و حافظه شخصیت اصلی مخاطب را پرتاب می‌کند به دل تاریخ و کودکی‌اش که البته روایت خودش نیست و قضایای مربوط به اجدادش را که از شازدگان قجری هستند، با زبان و لحن متفاوت از زمان حال روایت به تصویر می‌کشد. نویسنده شیفته خرده‌روایت‌هایش می‌شود و گمان می‌کند جذابیت همین خرده‌روایت‌ها به تنهایی کافی است تا مخاطب با همان اشتیاق ابتدایی کار را دنبال کند. اینجاست که رمان به تکرار می‌افتد. حوادث و اتفاقات و آدم‌ها نیستند که تکرار می‌شوند، بلکه دست نویسنده پیش مخاطب لو می‌رود و خواننده خیلی زود دستگیرش می‌شود که می‌تواند پرش زمانی داشته باشد. خیلی زود ترفندهای ساختاری نویسنده، نخ‌نما و عادی می‌شود و نویسنده بی‌آنکه تلاش برای جایگزینی ترفندهای دیگری به‌منظور بدیع بودن آن انجام دهد، دل به داستان‌سرایی‌اش می‌بندد. در این میان اما چیزهای دیگری است که نویسنده دل به آنها بسته است و سعی می‌کند با استفاده از آنها به کارش تنوع بدهد. مساله استفاده از برخی کلمات مهجور و گاه ساختگی و دیگری توصیف‌های شاعرانه است. کلمات مهجور، کاربردشان در فصل‌های مربوط به گذشته شخصیتی که در زمان حال رمان، ۷۰ ساله است، هم به فضاسازی و هم باورپذیری‌شان کمک می‌کند. دل بستن نویسنده به کارگیری واژه‌ها و لغات بکر و مهجور و ناآشنا از ذهن مخاطب آشنایی‌زدایی می‌سازد و پرتاب او را به فضا و زمان دیگر آسان‌تر میسر می‌کند. اما این ترفند و قاعده خیلی زود فراموش می‌شود و در فصل‌های آخر خبری از آن نیست. نویسنده فصل نخست کارش دغدغه بیشتری برای بنا کردن ساختاری خلاقانه و بدیع دارد، اما در فصل‌های بعدی به تدریج، به لحن جا افتاده فصل‌های نخست اتکا می‌کند. دیگر اینکه اطناب منجر به سربردن حوصله مخاطبی می‌شود که در طول رمان عادت کرده است به خرده‌روایت‌های جذاب از آدم‌های غریب و تک‌افتاده. این موضوع در فصل آخر بیشتر خود را نشان می‌دهد. نویسنده باید یادش باشد که قرارش این بوده که در شکل کلاسیک رمان سنت‌شکنی کند. منتها وقتی تعلیق را کمرنگ می‌کند، باید شش‌دانگ حواسش جمع پاره‌های داستانش باشد تا از نفس نیفتد.

«آه باشین» جسارتی در بازخوانی تاریخ معاصر از زاویه‌دید نویسنده‌ای است که برای نوشتن رمانش از قرائت‌های رسمی و باسمه‌ای فاصله می‌گیرد و تلاش می‌کند تجربه زیستی خود را با آن درآمیزد. «آه باشین» تاکیدی براین نکته است که نویسنده ایرانی با وجود تجربه زیستی‌اش برای خلق رمانی تاثیرگذار و ماندگار نیازمند کشف و شهود نوشتن نیز هست و نباید این دومی را دست کم بگیرد و شیفتگی غرایب زندگی و روزگارش نباید او را از رسیدن به اثری سترگ باز دارد.

کیتارو در فرودگاه تهران:

برای حضور در ایران تپش قلب داشتم

گروه ادب و هنر: بالاخره اما و اگرها به پایان رسید و ماسانوری تاکاهاشی معروف به «کیتارو» به ایران وارد شد. پرواز موسیقیدان ژاپنی ساعت ۱:۳۰ بامداد روز دوشنبه ۲۱ مهر در تهران به زمین نشست. سال‌هاست که زمزمه حضور موسیقیدان‌های جهانی در ایران شنیده می‌شود اما زمانی که به مرحله اجرا می‌رسد حضور آنها در ایران و اجرای کنسرت‌شان منتفی می‌شود. این بار انگار بخت با علاقه‌مندان به موسیقی یار بود تا اجرای آهنگساز مشهور ژاپنی را از نزدیک ببینند. اجرای کیتارو در ایران در ادامه حضور «اشتفان میکوس» و «انور براهم» می‌تواند نویدبخش حضور هنرمندان دیگری در ایران باشد. خبر حضور هنرمندانی چون کریس دی‌برگ، ریچارد کلایدرمن، نادر عباسی، مورات ککیلی و آرکادی ولدوس در ایران در سال‌های گذشته و لغو شدن برنامه‌هایشان موجی از بی‌اعتمادی به این دست خبرها را در میان علاقه‌مندان به موسیقی جهانی ایجاد کرده بود. با این همه حضور کیتارو در ایران و در میان استقبال رسمی مسئولان موسیقی کشور می‌تواند نویدی برای برنامه‌های بیشتری در این زمینه باشد.

■ اهدای سازهای ایرانی به کیتارو

پیروز ارجمند مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد در برنامه استقبال رسمی از کیتارو نوازنده و آهنگساز گفت: «بسیار خوشحال و خرسندیم که این بار با کمال افتخار میزبان یکی از بهترین و نام‌آورترین هنرمندان موسیقی دنیا هستیم، به همین دلیل به نمایندگی از مردم کشورم، هنرمندان و مسئولان وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی به شما خوشامد صمیمانه‌ای اعلام می‌کنم.» پیروز ارجمند خبر از برگزاری نشستی خبری با حضور رسانه‌های داخلی و خارجی داد تا برنامه‌های حضور کیتارو در ایران، برنامه‌ها و کنسرت‌هایش را پوشش دهند. او درباره این حضور گفت: «چهره شاد و پرانرژی کیتارو با وجود بیش از ۲۰ ساعت پرواز به من امید و شور زندگی داد و این باعث مباهات ماست که میزبان این هنرمند شایسته دنیای موسیقی هستیم.» ارجمند در مراسم استقبال گفت: «قرار است تعدادی از سازهای ایرانی به این هنرمند ژاپنی اهدا شود.» ارجمند درباره تاثیر کیتارو در دنیای موسیقی هم گفت: «من به دلیل اینکه سال‌هایی را در کشورهای شرقی برای تحصیل در موسیقی زندگی می‌کردم، با موسیقی این منطقه‌ها و همچنین تاثیر موسیقی کیتارو به خوبی آشنا هستم. این در حالی است که باید بگویم سبک «نیو ایج» کیتارو انقلابی در این نوع موسیقی بود که در زمان خودش واقعا هنر پیشرو و تاثیرگذاری لقب گرفت.» مدیر دفتر موسیقی وزارت ارشاد می‌گوید برنامه‌هایی تدارک دیده شده تا کیتارو در ایران موسیقی ایرانی زیاد گوش کند. علی چراغعلی تهیه‌کننده کنسرت کیتارو در تهران هم در مراسم استقبال گفت: «مردم ایران از حضور یکی از بهترین آهنگسازان و نوازندگان دنیای موسیقی در کشورشان بسیار خوشحال هستند و مطمئن هستم که این خوشحالی را در کنسرت‌هایی که در تالار وزارت کشور برگزار خواهید کرد، مشاهده می‌کنید.»

■ تپش قلب کیتارو

کیتارو که با همسر و مدیر اصلی برنامه‌هایش به ایران آمده در این مراسم گفت: «همان‌طور که قبلا گفته بودم برای حضور در ایران تپش قلب داشتم و همچنان این تپش قلب و هیجان درون من وجود دارد و حالا که شنیدم بلیت کنسرت‌های من در ایران تقریبا به اتمام رسیده است به قدری این هیجان بیشتر شده که دوست دارم آن را روی صحنه و در مواجهه با تماشاگران ایرانی تجربه کنم؛ تجربه‌ای که قطعا برای من خوشایند و متفاوت خواهد بود.» او درباره برنامه‌هایش در ایران هم گفت: «دوست دارم حین اجرای روزهای کنسرت وقتی به‌وجود بیاید تا با بعضی از موسیقیدان‌های ایرانی گفت‌وگویی داشته باشم چراکه به نظر می‌آید موسیقی ایرانی حرف‌های زیادی برای گفتن دارد که من به‌شدت خواهان شنیدن آن هستم و البته امیدوارم در این چند روز فشرده که در ایران حضور دارم این فرصت فراهم شود.»

■ مردی با شهرت جهانی

پیش از این چهار نفر از نوازندگان اصلی کیتارو نیز عصر یکشنبه ۲۰ مهرماه وارد تهران شده بودند. قرار است این هنرمند به همراه تعدادی از نوازندگان ارکستر سمفونیک سابق در ۲۳، ۲۴ و ۲۵ مهرماه در تالار وزارت کشور کنسرت داشته باشند. کیتارو متولد ژاپن است و نواختن موسیقی را با گیتار و بدون معلم آغاز کرده و آموزش آکادمیک در این زمینه ندیده اما احساسات و خلاقیت او تا جایی بود که توانست این هنرمند را در سطح جهان بشناساند. او پیشتر درباره نحوه ساخت موسیقی‌هایش گفته بود: «من هرگز تحصیل نکرده‌ام. من نمی‌توانم نت‌های موسیقی را بخوانم یا بنویسم. اما انگشتانم حرکت می‌کنند و من متعجب می‌شوم که این موسیقی از کجاست، من آهنگ‌هایم را می‌نویسم ولی در واقع آنها متعلق به من نیستند.» کیتارو پیش از این سابقه همکاری با کیهان کلهر نوازنده کمانچه و آهنگساز را داشته است. یکی از مهم‌ترین آثار کیتارو در زمینه آهنگسازی که باعث شهرت او شد «جاده ابریشم» است که جوایز معتبری چون «گرمی» و «گلدن گلوب» را برای او به ارمغان آورد. او موسیقی فیلم «بهشت و زمین» را برای الیور استون ساخت و تاکنون ۳۰ آلبوم منتشر کرده که بسیاری از آنها جزء پرفروش‌ترین آثار موسیقی جهان بوده‌اند.

واکنش مدیرکل دفتر موسیقی وزارت ارشاد به جلوگیری از نوازندگی زنان در کنسرتی در اصفهان

ارجمند: این رفتارها متناسب با دلسوزی برای نظام نیست

پیروز ارجمند

فرهیختگان: لغو اجرای گروه «عرفان» در حاشیه اجلاس میراث فرهنگی غیرملموس در اصفهان به‌دلیل حضور نوازندگان زن، واکنش مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در پی داشت. پیروز ارجمند در واکنش به این اتفاق، تفکیک جنسیتی روی صحنه را با سیاست‌های کلی دولت سازگار ندانسته و خبر از پیگیری این ماجرا داده است. به گزارش فرهیختگان گروه عرفان به اصفهان دعوت شده بودند تا در آیین افتتاح اجلاس میراث فرهنگی غیرملموس اجرا داشته باشند، اما علی‌رغم مجوزی که گروه داشتند، از اجرای آنها با حضور نوازندگان زن در اجلاس ICCN جلوگیری به عمل آمد. محمد طیبی، سرپرست گروه در گفت‌وگو با ایسنا از «برخورد تند و توهین‌آمیز مدیران» با گروه خبر داده که درنهایت منجر به ترک این گروه با دلخوری از اصفهان شده است. از نوازندگی زنان در اصفهان در حالی جلوگیری شده است که در همان اجلاس، زنان کره‌ای در هنرسرای خورشید، علاوه‌بر نوازندگی، آواز نیز خوانده‌اند. در حالی که فرشاد رستمی از اعضای گروه موسیقی عرفان این مساله را به گردن مدیرکل ارشاد اصفهان می‌اندازد، مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان این مساله را تکذیب می‌کند و به ایسنا می‌گوید: «حدود هفت یا هشت گروه قرار بود، در اجلاس و جشنواره میراث فرهنگی ناملموس اجرا داشته باشند و اتفاقا همه گروه‌ها مجوز اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی را برای برگزاری کنسرت داشتند. ما به همه گروه‌ها مجوز دادیم و گروه عرفان هم در میان گروه‌های موسیقی بود.» محمد قطبی اظهار بی‌اطلاعی از دلیل لغو کنسرت گروه «عرفان» در هنرسرای خورشید و اجرای گروه بدون حضور بانوان در مراسم افتتاحیه ICCN می‌کند و می‌گوید: «من به‌دلیل کار زیادی که در این چند روز داشتم، هنوز نتوانستم گزارش آنها را بخوانم. حالا فرصت ندارم و به‌محض پیدا کردن وقت مناسب، موضوع را پیگیری خواهم کرد.» جلوگیری از اجرای نوازندگان زن در کنسرت گروه «عرفان» در اصفهان واکنش پیروز ارجمند، مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را در پی داشته است. ارجمند گروه موسیقی «عرفان» به مدیریت طیبی را از گروه‌های ثبت‌شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌داند که عموما در راستای حفظ موسیقی ملی و اتحاد اقوام ایرانی فعالیت دارد. ارجمند به ایسنا می‌گوید: «با مجوز و هماهنگی دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار بود گروه عرفان در افتتاحیه اجرا داشته باشد، اما متاسفانه برخی از حضور بانوان در این اجرا ممانعت به عمل آوردند. این کار مورد تایید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیست و ما به‌شدت با این موضوع مخالفت می‌کنیم. دختران ایرانی در رشته موسیقی در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند و در هنرستان‌های موسیقی تحصیل می‌کنند، محل کار این افراد روی صحنه است.» ارجمند با انتقاد از حضور نداشتن زنان نوازنده گروه عرفان در افتتاحیه اجلاس ICCN، می‌گوید: «این را که در چنین اجلاسی جلوی حضور زنان گرفته می‌شود، باید تمام کسانی که دغدغه حضور جوانان ایرانی را دارند، جواب دهند. چرا یک جوان ایرانی نمی‌تواند در کشور خودش و روی صحنه‌ای که متعلق به خودش است، حضور پیدا کند و برای نمایندگان کشورهای دیگر نشان دهد که ایران یک موسیقی اصیل دارد؟ این نوع رفتار در عرف ملی، رفتاری ناشایست قلمداد می‌شود و آن را پیگیری خواهیم کرد.» ارجمند به سفر اخیرش به اصفهان برای حل مساله حضور بانوان نوازنده در کنسرت‌های این استان اشاره می‌کند و می‌گوید: «یکی از مباحثی که در این سفر مطرح شد، موسیقی بانوان بود و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان نیز این موضوع را تایید کرد. اعتقاد دارم همه شهرهای ما، مذهبی هستند و تمام مردم ایران در شهرهای گوناگون در کنار انقلاب ایستاده‌اند. ادعایی را که برخی جریانات دارند که موسیقی با پاسداشت خون شهدا، منافات دارد، انکار می‌کنم. یکی از برکات انقلاب ما این است که پس از انقلاب، موسیقی فاخر و معنوی داشتیم. آیا باید این ثمره انقلاب را انکار کنیم؟ این رفتارها متناسب با رفتارهای دلسوزان نظام نیست.» ارجمند با توجه به نوازندگی زنان کره‌ای در همان اجلاس میراث فرهنگی ناملموس می‌گوید: «این دوگانگی‌ها را متوجه نمی‌شوم و برای من این سوال است که چرا نسبت به فرهنگ خودمان که اصیل و اسلامی است، چنین رفتار می‌کنیم و سختگیری‌هایی که برای هنرمندان اصیل ایرانی می‌شود، برای یک نفر که در جشن می‌نوازد، نمی‌شود. چرا نباید فضای آرام و امنی را برای هنرمندان موسیقی اصیل خود فراهم کنیم؟»

نامه کانون کارگردانان به رئیس سازمان سینمایی:

تسلیم فشارها نشوید

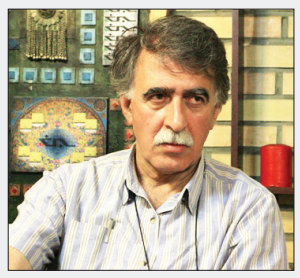

همایون اسعدیان

گروه ادب و هنر: پس از واکنش‌های جداگانه برخی کارگردانان سینما در روزهای گذشته، این بار کانون کارگردانان سینمای ایران به عقب‌نشینی سازمان سینمایی برای اکران برخی فیلم‌ها واکنش نشان داد و با انتشار نامه‌ای به حجت‌الله ایوبی از رئیس سازمان سینمایی خواستند در مقابل فشارها برای اکران نکردن بعضی از فیلم‌ها تسلیم نشود. این طور که اسعدیان، سخنگوی کانون کارگردانان می‌گوید این نامه را در پی رایزنی‌های دیگرشان خطاب به رئیس سازمان سینمایی نوشته‌اند و سازمان سینمایی آن را رسانه‌ای کرده است. انتشار این نامه واکنش‌های مختلف رسانه‌ای را در پی داشته و این کانون از سوی رسانه‌های تندرو مورد هجمه قرار گرفته است. در نامه کانون کارگردانان سینمای ایران که تاریخ ۱۹ مهرماه را دارد، آمده است: «متاسفانه مدتی است شاهد فشارهای روزافزون بر شما و سازمان سینمایی در رابطه با اکران چند فیلم سینمایی می‌باشیم؛ فشارهایی که عمدتا توسط جریان‌های حاضر و غیرمسئول و خارج از روال طبیعی اعمال می‌گردد. باور ما این است که حفظ شأن و جایگاه مدیران سینمایی وابسته به پایداری آنها بر قوانین و تصمیمات اصولی است که اتخاذ کرده‌اند. عدم نمایش فیلم‌هایی که دارای پروانه نمایش از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشند به دلیل سلائق عده‌ای معدود، صرفا باعث تزلزل جایگاه مدیریتی شما و ایجاد جو ناامنی در فضای سینمایی کشور می‌گردد. ما مصرانه از شما می‌خواهیم تا با اجرای صریح قانون و پایداری بر تصمیمات‌تان و عدم تمکین در برابر خواسته‌های فراقانونی، فضایی امن و آرام را برای سینماگران این مرز و بوم فراهم سازید که در این مسیر کانون کارگردانان سینمای ایران در کنار شما خواهد بود.» همایون اسعدیان، سخنگوی کانون کارگردانان سینمای ایران در پی پیگیری خبرنگار فرهیختگان درباره این نامه اشاره می‌کند که تاکیدشان بیشتر در اکران فیلم «خانه پدری» کیانوش عیاری است. سخنگوی کانون کارگردانان سینمای ایران همچنین دیروز به ایسنا گفت: «ارتباط هر صنفی همچون کانون کارگردانان با مسئولان سینمایی یک وقت‌هایی و به مصلحت‌هایی به شکل نامه و جلسات مشترک است که لزوما ضرورتی نیست که علنی شود. کانون کارگردانان علاقه‌مند بود درباره برخی حواشی این روزها که برخی گروه‌ها، فشارهایی برای اکران نشدن برخی فیلم‌ها به وزارت ارشاد آورده‌اند، نظراتش را به رئیس سازمان سینمای اطلاع بدهد. کانون کارگردانان برای حفظ آرامش مصلحت را در این دید که به صورت یک نامه و نه به شکل بیانیه این مسائل را مطرح کند. البته در این نامه مطلب خاص و پنهانی نبوده است. مسئولان سینمایی خودشان ترجیح دادند این نامه را روی سایت بگذارند و دیدیم بلافاصله پس از انتشار در رسانه‌ها، مورد سوءاستفاده گروهی هم قرار گرفته است. حرف کانون کارگردانان، حرف خیلی روشنی است و بر این موضوع تاکید دارد که تصمیم گیرنده امور فرهنگی، وزارت ارشاد است و دیگر مراکز در حد گفت‌وگو می‌توانند با سازمان سینمایی وارد بحث شوند اما اینکه بخواهند تعیین تکلیف کنند از مسیر قانون گرایی خارج می‌شود. حرف ما برای فیلم خاصی نیست بلکه برای کل سینماست. امیدواریم مسئولان با وجود فشارهایی که بر آنها وارد می‌شود به این اصل اساسی پایبند باشند.» سخنگوی کانون کارگردانان در پاسخ به اینکه چرا نخواستید نامه از سوی خود کانون کارگردانان، رسانه‌ای شود، گفت: «همچنان باور و اعتقاد ما این بوده که عده‌ای علاقه‌مندند آرامشی را که در فضای سینمایی حاکم شده، ملتهب کنند و در این شرایط کانون کارگردانان خواست در عین اینکه موازین خودش را حفظ و نقطه‌نظراتش را مطرح می‌کند، درگیر حواشی بیرونی نشود. در موارد دیگری هم بوده که گفت‌وگوها و درخواست‌هایی کانون کارگردانان با سازمان سینمایی داشته که لزومی ندیدیم آنها را علنی کنیم بنابراین فقط همین یک مورد اخیر نبوده است.» سخنگوی کانون کارگردانان در پاسخ به اینکه چرا نام فیلم‌ها را نمی‌آوردند، گفت: «نام دو فیلم مطرح است ولی برخی گروه‌ها و سایت‌های خاص ادعای ۹ فیلم دارند و ترجیح ما این است که به کلیت سینما فکر کنیم و همان‌طور که در دوره آقای شمقدری هم همین اعتقاد و باور را داشتیم که وقتی فیلمی از فیلتر شورای پروانه نمایش می‌گذرد، حق دارد در تمام سینماها اکران شود، الان هم بر همین موضوع تاکید داریم چون در شورای پروانه نمایش، طیف‌های مختلف از حاکمیت حضور دارند و نقطه‌نظرات‌شان را هنگام مجوز دادن به یک فیلم مطرح می‌کنند، بنابراین نباید دیگر اما و اگری باشد.»

دغدغه

بازدید وزیر ارشاد از روند بازسازی تئاترشهر

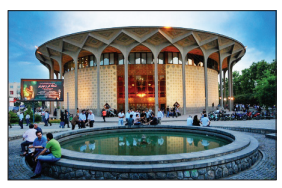

گروه ادب و هنر: بازسازی تئاترشهر یکی از دغدغه‌های این روزهای تئاتری‌های ایران است. مساله‌ای که سال‌ها ادامه پیدا کرده و بازسازی‌های گذشته تئاترشهر موج بی‌اعتمادی را به‌وجود آورده است. تعطیلی‌های این مجموعه تئاتری در تهران در سال‌های گذشته به بهانه بازسازی نتوانسته اعتماد اهالی تئاتر را جلب کند تا وقتی یکبار دیگر مساله بازسازی آن مطرح می‌شود، موجی از نگرانی‌ها ایجاد شود. طی این روزها که بازسازی تئاترشهر آغاز شده هنرمندان تئاتر در گفت‌وگوها و یادداشت‌های‌شان از این مساله یاد کرده‌اند و کار به جایی رسیده تا علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز از روند بازسازی این مجموعه تئاتری دیدن کند و از مسئولان بخواهد که بازسازی ظرف سه ماه تمام شود تا مجموعه برای جشنواره تئاتر فجر آماده شود. هیات مدیره خانه تئاتر هم نگرانی‌های خودشان را از این مساله در قالب اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «امیدواریم پروژه بازسازی فعلی برخلاف نمونه مشابه در گذشته که غیرکارشناسی، بی‌برنامه و نتیجه بوده، این بار متکی بر دانش، عقل و فرهنگ بوده و با مشورت و کارشناسی خبرگان و نخبگان در این زمینه به انجامی موفق برسد.» با این همه وزیر ارشاد در بازبینی‌اش از تئاترشهر گفت: «همواره درباره بازسازی ساختمان تئاترشهر انتظارهایی بوده و براساس بررسی‌های انجام‌شده، طرح کامل بازسازی این ساختمان در دست اجراست. اجرای این طرح نزدیک دو هفته است که آغاز شده است. امیدوارم با بازسازی بخش‌های مختلف ساختمان تئاترشهر، در آینده نزدیک شاهد ادامه یافتن تمرین و اجرای هنرمندان رشته تئاتر در این ساختمان باشیم.» با این همه هنوز نگرانی‌هایی در زمینه بازسازی وجود دارد تا جایی که زمزمه‌هایی مبنی بر کم شدن سالن‌های این مجموعه شنیده می‌شود. بعد از بازبینی وزیر ارشاد از این مجموعه ایسنا به سراغ پریسا مقتدی، مدیر تئاترشهر رفته و نگرانی‌ها در این زمینه را با او در میان گذاشته است. مقتدی گفته: «معاونت هنری قول داد که به‌زودی جلسه‌ای با حضور متخصصان از جمله آقای مصدق مشاور پروژه، نماینده خانه تئاتر، نماینده دفتر طرح‌های عمرانی و همچنین شورای هنری تئاترشهر برگزار می‌شود.» با این همه مقتدی می‌گوید که هنوز تصمیمی درباره کم‌شدن سالن‌ها گرفته نشده و این موضوع هنوز در یک ایده است؛ اما با این وجود، بحث ایمنی این سالن‌ها همواره به‌عنوان دغدغه هنرمندان و مسئولان هنری وجود داشته است. این در حالی است که در سال‌های اخیر سالنی به سالن‌های تئاتر کشور اضافه نشده تا با کم شدن سالن‌های تئاترشهر بتوان مشکل کمبود سالن‌ها را رفع کرد. شاید در کنار بازسازی مهم‌ترین مجموعه تئاتری کشور باید طرح‌ها و ایده‌هایی مبنی بر ساخت سالن‌های جدید تئاتری نیز در دستور کار مدیران باشد تا بتواند نگرانی‌های فعالان تئاتر کشور را کم کند.

خط داغ

■ فرهیختگان: فریدون جیرانی با «مرگ تدریجی یک رویا» پا به عرصه سریال‌سازی گذاشت؛ سریالی که نقدهای زیادی را متوجه جامعه روشنفکری می‌کرد. بعد از ساخت این

سریال بود که جیرانی موفق شد اجازه برنامه تلویزیونی «هفت» را بگیرد و تا مدت‌ها سینمای ایران را به نقد و چالش بکشد. منتها جیرانی فکرش را هم نمی‌کرد که تلویزیون خودش را نیز تاب نخواهد آورد و برنامه‌اش را بعد از تعطیلی به گروه دیگری بسپارد. حالا جیرانی یک‌بار دیگر موفق شده است نظر مدیران تلویزیون را جلب کند و دست به کار ساخت سریال دومش به نام «تعبیر وارونه یک رویا» شود. «تعبیر وارونه یک رویا» در ۱۳ قسمت ۴۵ دقیقه‌ای با موضوع جاسوسی-ترور دانشمندان هسته‌ای ایران برای پخش از شبکه یک سیما ساخته می‌شود. در این سریال امیر جعفری نقش یک مامور امنیتی ایرانی را ایفا می‌کند و داریوش ارجمند نیز ایفای نقش یک کارشناس امنیتی را برعهده دارد. همچنین پانته‌آ بهرام و فرهاد قائمیان از دیگر نقش‌های اصلی این مجموعه هستند. جیرانی که این روزها فیلم «خواب‌زده‌ها» را در سینماها در حال اکران دارد، راهی گرجستان می‌شود تا سکانس‌های خارجی سریال «تعبیر وارونه یک رویا» را فیلمبرداری کند.

■ فرهیختگان: اکران گروه هنر و تجربه در سینماهای محدود این مجال را برای مستندهای قابل تامل نیز به‌وجود آورده است. یکی از این مستندها «شش قرن و شش سال» ساخته مجتبی میرتهماسب است. حالا قرار است برای این مستند آیین دیدار برپا کنند. این آیین ساعت ۱۶ در سالن شماره ۱۱ پردیس سینمایی کورش با حضور همایون شجریان، رخشان بنی‌اعتماد، محمدرحمانیان و... برگزار می‌شود. در این مراسم قرار است همایون شجریان، محمدرضا درویشی، اعضای گروه عبدالقادر مراغه‌ای، رخشان بنی‌اعتماد، کامبوزیا پرتوی، ابراهیم مختاری، محمد رحمانیان، مهتاب نصیرپور و اعضای هیات‌مدیره انجمن مستندسازان حضور داشته باشند.

■ فارس: محسن چاوشی، برای فیلم «لامپ ۱۰۰» به کارگردانی سعید آقاخانی خواند. او که این روزها آلبوم «پاروی بی‌قایق»اش با استقبال فراوان

مخاطبان روبه‌رو شده بعد از هشت سال به سینما بازگشته است. حسین صفا که بیشتر از ۵۰ ترانه او توسط محسن چاوشی خوانده شده است، «بید بی‌مجنون» را برای «لامپ ۱۰۰» نوشته و چاوشی هم آن را خوانده است. محسن چاوشی، هشت سال قبل در فیلم «سنتوری» ساخته داریوش مهرجویی خواند و حالا برای دومین بار در فیلم «لامپ ۱۰۰» سعید آقاخانی می‌خواند.

■ ایسنا: آمار فروش فیلم سینمایی «شهر موش‌ها ۲» به کارگردانی مرضیه برومند از مرز ۹ میلیارد تومان گذشت. طبق اعلام علی سرتیپی، تهیه‌کننده این فیلم، «شهر موش‌ها ۲» تاکنون در تهران پنج میلیارد و ۲۲۰ میلیون تومان فروش داشته و این رقم در شهرستان‌ها به سه میلیارد و ۸۴۰ میلیون تومان رسیده است.

■ فرهیختگان: فیلم بلند «ماهی و گربه» ساخته شهرام مکری و مستند «نینجای ایرانی» ساخته مرجان ریاحی در ششمین دوره جشنواره «دیدار» تاجیکستان حضور دارند.

■ ایسنا: مجموعه داستان «قصه‌های سرزمین دوست‌داشتنی» نوشته ای ال دکتروف و رمان‌های «آخرین قارون» نوشته اسکات فیتزجرالد و «بی‌سرنوشت» نوشته امره کرتس، نوبلیست مجارستانی و مجموعه داستان روبه روشدن با لیز نوشته لئونید دوبیچین با ترجمه علیرضا کیوانی‌نژاد در ایران منتشر می‌شوند.

■ مهر: غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره خروجی جلسه یکشنبه، ۲۰ مهر این شورا گفت: «فیلم «ساکن طبقه وسط» به کارگردانی شهاب حسینی از چهارشنبه، ۲۳ مهرماه اکران خود را آغاز می‌کند. البته این فیلم فعلا بدون سرگروه اکران می‌شود و در گروه آزاد روی پرده می‌رود و بعد از اینکه کف فروش فیلم «خانوم» به کارگردانی تینا پاکروان پر شد، فیلم «ساکن طبقه وسط» در این گروه سینمایی اکران می‌شود. از سوی دیگر فیلم «شیار ۱۴۳» به کارگردانی نرگس آبیار بعد از ایام تاسوعا و عاشورای حسینی به سرگروهی سینما آزادی اکران می‌شود. فیلم‌های سینمایی